

# آخر شاهنامه

مهدی اخوان ثالث  
(م. امید)

تهران ۱۳۹۶

۷	یادداشت برای چاپ دوم و...
۹	از چاپ اول
۲۱	کاوه یا اسکندر؟
۲۷	غزل ۱
۳۰	چون سبوی تشنه
۳۲	میراث
۳۸	گل
۴۰	مرداب
۴۴	غزل ۲
۴۶	خزانی
۴۸	دریچه‌ها
۵۰	کله
۵۳	بازگشت زاغان
۵۶	ناژو
۵۸	دریغ
۶۰	طلوع
۶۶	غزل ۳
۶۹	بی دل
۷۰	آخرشاهنامه
۷۸	قولی در ابوعطا
۸۲	چه آرزوها
۸۵	وداع
۸۷	پیامی از آن سوی پایان
۹۵	با همین دل و چشم‌هایم، همیشه...
۹۷	پیغام
۱۰۰	برف
۱۰۹	قصیده
۱۱۵	سرکوه بلند
۱۱۸	مرثیه
۱۲۰	گفت وگو
۱۲۳	ساعت بزرگ
۱۲۸	جراحت
۱۳۱	رباعی
۱۳۲	خفتگان
۱۳۶	قاصدک

## یادداشت

### برای چاپ دوم، (و این سوم و ...)

از من خواستند که سه کتاب «ارغنون» و «زمستان» و این «آخرشاهنامه» را باهم، دیگر بار چاپ کنم، پذیرفتم. و اما اکنون باری، حرف تازه‌ای نیست، جز اینکه در چاپ دوم چند قطعه تازه اضافه شده است؛ یعنی قطعاتی که به دلایلی هنگام چاپ اول بر زمین مانده بود (قطعات: بیدل، وداع، پیامی از آن سوی پایان، با همین دل و چشمهایم همیشه...) و بد نیست بگویم که نوشتن قطعات بی‌وزن، برای من، پیش خودم آزمایشکی بود و تفرنی، و همان وقتها هم (سال ۱۳۳۵) در یک نشریه ادبی منتشر شد، اما بعدها دنبال گرفتن این شیوه ناموزون را نپسندیدم. زیرا دیدم و سنجیدم این دست آثار را هرچه و از هرکه، اینجا، و آنجا و چنین دریافتم که ممکن است گهگاه در بعضی از این‌گونه کارها «شعر به معنی عام» بتوان سراغ گرفت، چنانکه مثلاً در یک خطابه، یا داستان، یا حتی سخنی از رهگذری، گدایی، فروشنده دوره‌گردی، ملامت زنی شوی را به‌یاد آوردن ایام شور و شیدایی و چه و چه‌ها، ولی این‌گونه سخنان به هر حال مثل اینکه یک چیزی کم دارد از شعر، البته «شعر به معنی خاص» که همان تغنی مألوف و مأنوس باشد، همان سر و سرود شناخته، معروف تعریف‌ناپذیر، همان جاری مترنم ارواح و قریح موزون، که ریتم مفلوظ، ریتم مکالم و متکلم است از معانی رقصهای روح آدمی، رقص اندوهان و مرگ، رقص شادبها و شور زندگی و هیجان جان، با کلمه و آهنگ آشنای کلمات، رقص کلامی و کلمتی دیدن و دانستن. و نیز به‌وجد آمدن و خشم و خوشبها،